

ملاصدرا نقل کردیم، نشان می‌دهد که ملاصدرا نه تنها نسبت به این دو صوفی احساس منفی نداشته، بلکه به عکس، احترام خاصی هم برای آنان قائل بوده و در واقع، ایشان را جزو کسانی می‌دانسته است که آینه سرّ خود را پاک کرده و تجلیات انوار الهی را به چشم دل دیده بودند و شطحیات ایشان، کلماتی بود که در حال سکر و مغلوبی بر زبانش جاری شده بود. نظر ملاصدرا درباره این دو شخصیت بزرگ تصوف، درست مانند مشایخ و نویسندگان بزرگ صوفیه است بویژه کسانی که وی از آثارشان بهره‌مند شده است؛ نویسندگانی همچون: ابو حامد غزالی، عین القضاة همدانی، شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی و بالاخره محیی الدین بن عربی.

عنوان مقاله : اوزان عروضی شعر نو و کلاسیک (گفتگو با استاد عباس ماهیار)

مأخذ : کیهان فرهنگی، س شانزدهم، ش ۱۵۹ (دی ماه ۷۸)، ص ۴ تا ۸

از عواملی که سبب استحکام شعر می‌شود زبان مجازی است. شاعر به مدد خیال و طیف مجازی زبان به شعر شخصیت می‌بخشد. کاربرد مجازی حدی نمی‌شناسد. طیف مجازی زبان به کسی که زبان را به کار می‌برد بستگی دارد. در قرن ششم بطور مثال در مقایسه بین شعر خاقانی و جمال الدین اصفهانی، وسعت دایره کاربردهای مجازی در شعر خاقانی از جمال الدین بسیار بیشتر است. اگر آثار شاعران جوان و نوپرداز را هم با یکدیگر مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این شاعر است که وسعت خیال را ایجاد می‌کند و وسعت و دامنه خیال شاعر از علم شاعر، زمان وی و جامعه‌ای متأثر است که در آن زندگی می‌کند و مسائلی از قبیل مسائل مذهبی و موضوعات علمی وجود دارد که شاعر از آنها در مضامین شعری خود بهره می‌جوید.

اشعار معاصر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: برخی در اوزان عروضی سروده شده و کلاسیک است. بعضی دیگر وزنهایی دارد اما نه کلاسیک. پاره‌ای دیگر وزن

هم ندارد، فقط کلمات می‌تواند به آنها انسجامی بدهد که خوش آهنگ باشد. آنها را در اصطلاح «شعر سفید» می‌گویند که داخل در مقوله عروضی نیست. می‌ماند شعر نو که اغلب و بیشتر آنها یا در بحر عروضی است یا بعضی از نوپردازان کوشیده‌اند که وزنهای دیگری به وجود بیاورند و در این وزن‌ها شعر بگویند. به این ترتیب شعر نو یا مقبول طبع واقع می‌شود و خود به خود جا می‌افتد و مردم آن را قبول می‌کنند و یا مورد قبول ذوق سلیم قرار نمی‌گیرد و خود به خود مردم از آنها کنار می‌گیرند. یکی از عواملی که موجب رستاخیز کلمه در زبان شده، موسیقی است. شعر و موسیقی از هم جدا نیست. شعر اگر موسیقی نداشته باشد احیاناً قسمتی از تأثیر خود را از دست می‌دهد.

در میان شاعران قدیم کسانی را می‌بینیم که به وزنهای نامأنوس روی آوردند. یکی از آنها مسعود سعد است و احیاناً ناصر خسرو هم چنین تمایلی دارد. پس از آنان، تنوع وزن در شعر خاقانی دیده می‌شود و در قرن هشتم هیچ کس به اندازه خواجوی کرمانی تنوع وزن ندارد. در قرن نهم اوزان مفاعلاتن مفاعلاتن را از جامی داریم و پس او صفای اصفهانی، فرصت شیرازی، بیدل دهلوی و از معاصران، مهدی سهیلی در آن وزن شعر سروده‌اند. برخی از شعرهای نیما در بحرهای کلاسیک سروده شده و بعضی دیگر از اشعارش اغلب وزنهای خارج از بحر کلاسیک همان وزن‌ها، و مشکل آن در بلندی و کوتاهی مصراعهاست. عده‌ای که شعر سفید گفته‌اند شعرشان در مقوله عروضی جای نمی‌گیرد و باید به صورت استقرایی بررسی شود که در مواردی بدون توجه به بحر عروضی و تنها با اتکا به هجاها می‌توان در مورد آنها داوری کرد.

عنوان مقاله : نظریه نقد و نقد هنری

نویسنده : مصباح‌الدین نرزیقول

مآخذ : نامه پارسی، س چهارم، ش سوم، ص ۳۴ تا ۴۱

افکار انتقادی سخن شناسان قرنهای چهارم تا چهاردهم (قرنهای دهم تا بیستم میلادی)^۱ به مانند دیگر مسائل ادبی مورد توجه ادبیات شناسان معاصر قرار گرفته اما هنوز مسائل آموختنی زیاد است. در این جایگاه کوشش می‌کنیم که در باره نظریه نقد و نقد هنری در قرنهای هفت و هشت هجری (قرن سیزدهم و چهارده میلادی) بحث‌کنیم.

بطور عمومی می‌توان گفت که نقد ادبی «عصر میانگی» در دو صورت تحول یافته و نقد نظری و نقد عملی نامیدن آنها بطور مشروط ممکن است.

نقد نظری، افکار انتقادی است که در آثار ادبیات‌شناسی مؤلفان، فصل مخصوص به بیان ماهیت علم نقد الشعر پرداخته و جهت‌های نظری نقد، مفاهیم دخیل در آن و اهمیت نقد را در پیشرفت حیات ادبی معین نموده است. نقد عملی، افکار انتقادی است که مؤلفان یا در تألیفات علمی و یا ضمن اشعار خویش، عقاید خود را در مورد خوبی و بدی اشعار شعرا از لحاظ بلاغت، صحت ترکیبات، میزانهای لفظی و معنوی و ارزشهای ادبی و هنری بیان کرده‌اند.

الف - نقد نظری

نمونه کامل نقد نظری را در ادبیات‌شناسی عصر میانگی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی مشاهده نمودن ممکن است. شمس قیس رازی بار نخست در تاریخ علم ادبیات‌شناسی علم نقد الشعر را همچون علم مستقل ادبی معرفی، و در باره ماهیت آن بحث کرده است.

۱- این قرن‌ها را در ادبیات‌شناسی فارسی تاجیکی دوره «عصر میانگی» می‌نامند.

فصل ششم، قسم دوم و خاتمه المعجم کاملاً به مسائل نظری شعر و هنر شاعری بخشیده شده، خلاصه افکار انتقادی مؤلف را در برمی‌گیرد. شمس قیس رازی برآستی بیان می‌کند که یگانه کسی که نقد شعر و معرفت سره و بدی سخن را بطور درست بیان می‌کند منتقد است نه خود شاعر.

اندیشه‌هایی درباره نقد ادبی بیان کرده محمد بن محمد آملی نیز از نمونه‌های نقد نظری است. وی در فن یازدهم، مقاله اول، قسم اول از نفائس الفنون فی عرائس العیون در باره علم تقریض و مسائل مربوط به آن بحث کرده است. او اولین دانشمندی است که چگونگی شخصیت ناقد را بیان کرده است. مؤلف نفائس الفنون به غیر از عیوب شعری که مربوط به وزن و قافیه شعر است، عیوبی را برشمرده است که تعلق به متن شعر دارد و به دو قسم است: عیوب معنایی و لفظی.

ب - نقد عملی

افکار ادبی و انتقادی محمد عوفی در تذکره لباب الالباب در راه مطابق نمودن نظریه به عمل در تاریخ افکار ادبی و انتقادی قدم نخستین بود. محمد عوفی بیشتر اسیر عبادت پردازی و صنعتگری متکلفانه گردیده به شعر و هنر شاعران، پیش از همه، موافق ذوق شخصی خویش، معیارهای زبانی، بدیع و دیگر دستوره‌های علمی و ادبی عهد خود بها می‌دهد که این نوع نقد شعر را عبدالحسین زرین کوب «نقد ذوقی» نامیده است.

به همین طریق، اغلب ارزشگذاری عوفی در خصوص شعر شاعران، هرچند که خصوصیت توصیفی داشته باشد، ریشه قوی علمی دارد.

نشانه‌های نقد عملی را در انیس العشاق شرف الدین رامی نیز مشاهده نمودن ممکن است. رامی در برابر نشان دادن پسندیده‌ترین نمونه تشبیهات شعری، چون نقاد، شعر بعضی از شاعران را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

به گونه‌ای که گفته شد در قرنهای هفتم و هشتم نقد نظری و عملی در پیوستگی به هم همچون علم مستقل تشکیل یافته و برای اولین بار در تألیفات ادبیات شناسی فنی با عنوان نقد الشعر از آنها یاد شده است.